www.INN.ir/sport
• دوشنبه ۲ آذر ۱۴۰۵ • ۱۳ جمادی‌الثانی ۱۴۴۸
• سال سی‌ام • شماره ۸۲۷۱
iranvarzeshii
Iran Varzeshi Newspaper
ایران ورزشی
• صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
• مجری: مؤسسه فرهنگی و مطبوعاتی ایران
• رئیس هیأت مدیره: صادق حسین جابری انصاری
• مدیرعامل و مدیر مسئول: علی متقیان
• سردبیر ارشد مؤسسه: هادی خسرو شاهین
• سردبیر ایران ورزشی: علی جوادی
• تلفن: ۱۴-۸۸۵۰۴۱۱۳ • نمابر: ۸۴۷۱۱۱۷۳
• چاپ: چاپخانه مؤسسه جام جم
• سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ - ۸۸۵۰۱۳۰۰ - ۸۸۷۴۶۵۸۳
• امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰ - ۸۸۵۲۱۹۵۴
• نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
• صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵



هر مربی خارجی، ناجی نیست

حضور مربی خارجی همیشه به معنای ارتقای سطح فنی و تضمین موفقیت نیست. در دو دهه گذشته، ورزش ایران کم شاهد انتخاب‌هایی نبوده که صرفاً به دلیل خارجی بودن مربی یا داشتن رزومه‌ای ظاهراً قابل قبول انجام شده‌اند؛ انتخاب‌هایی که نه‌تنها دستاوردی به همراه نداشتند، بلکه هزینه‌های مالی و فنی قابل توجهی روی دست باشگاه‌ها و فدراسیون‌ها گذاشتند. گاهی مدیران به جای بررسی دقیق کارنامه، توانایی فنی و تناسب مربی با شرایط ورزش ایران، جذب یک نام خارجی را به‌عنوان راه‌حل فوری بحران در نظر گرفتند. نتیجه چنین تصمیم‌هایی، قراردادهای سنگین، همکاری‌های کوتاه‌مدت، تغییرات مکرر روی نیمکت و فرصت‌هایی بود که از دست رفت. در واقع، مشکل فقط کمبود مربیان خارجی تراز اول نیست؛ انتخاب مربیان کم‌کیفیت و درجه‌چندم هم می‌تواند به اندازه نداشتن مربی خارجی برای ورزش ایران زیانبار باشد. بنابراین خارجی بودن، به‌تنهایی امتیاز فنی محسوب نمی‌شود.

نقل قول

نباید منتظر خارجی‌ها بمانیم؛ مربیان خودمان را بسازیم

هاشمی‌طبا: بعد از ولاسکو دیگر مربی‌ای مثل او به والیبال نیامد

محدودیت‌های اقتصادی و شرایط خاص ناشی از جنگ، حضور مربیان خارجی در ورزش ایران را با دشواری‌های بیشتری مواجه کرده است؛ شرایطی که بار دیگر ضرورت توجه به ظرفیت مربیان داخلی و بازنگری در نظام آموزش و پرورش آنها را مطرح می‌کند. مصطفی هاشمی‌طبا، رئیس پیشین سازمان تربیت بدنی و کمیته ملی المپیک، معتقد است کاهش حضور مربیان خارجی را نمی‌توان به‌تنهایی معیاری برای ارزیابی وضعیت ورزش ایران دانست، اما این شرایط باید فرصتی برای تقویت دانش فنی و ارتقای توانمندی مربیان ایرانی باشد.

هاشمی‌طبا درباره کاهش حضور مربیان خارجی در ورزش ایران گفت: «اینکه در حال حاضر مربیان خارجی کمتری در ایران حضور دارند، نمی‌تواند ملاک مناسبی برای عیارسنجی ورزش ایران باشد. بعد از شرایط جنگی اخیر، طبیعی است که مربیان خارجی تمایل کمتری برای حضور در ایران داشته باشند. از طرف دیگر، توان اقتصادی فدراسیون‌ها برای جذب مربیان خارجی نیز نسبت به گذشته کاهش پیدا کرده و همین موضوع محدودیت‌هایی را برای مدیران ورزشی ایجاد کرده است.»

رئیس پیشین سازمان تربیت بدنی در واکنش به این دیدگاه که مربیان خارجی در مقاطع مختلف نقش مهمی در موفقیت ورزش ایران داشته و حتی در برخی رشته‌ها فرشته نجات بوده‌اند، اظهار داشت: «همیشه اینطور نبوده که مربیان خارجی نتایج خوبی در ورزش ایران رقم زده باشند. برای مثال، در والیبال بعد از ولاسکو دیگر مربی‌ای به تأثیرگذاری او در والیبال ما حضور پیدا نکرد و سایر مربیان خارجی جذب‌شده نیز آنطور که انتظار داشتیم، عمل نکردند. به هر حال، مشکلاتی که در حال حاضر در کشور وجود دارد، رفت‌وآمد مربیان خارجی و مسائل مالی مربوط به عقد قرارداد با آنها را دشوار کرده و دست مدیران را برای جذب این مربیان بسته است.»

هاشمی‌طبا معتقد است محدودیت در جذب مربیان خارجی نباید به کاهش کیفیت فنی ورزش ایران منجر شود و فدراسیون‌ها باید برنامه‌ریزی جدی‌تری برای تربیت نیروی انسانی متخصص داشته باشند. او در تشریح راهکار پیشنهادی خود برای عبور از این شرایط گفت: «باید آموزش مستمر برای مربیان ما در رشته‌ها و سطوح مختلف به‌صورت منظم در نظر گرفته شود. همچنین باید مربیان ارشد و مطرحی تربیت کنیم که بتوانند در این زمینه رهبری کرده و عملکرد سایر مربیان را زیر نظر بگیرند. آموزش مستمر، لازمه امروز ورزش ما برای تربیت مربیان ایرانی و جایگزینی آنها در نبود مربیان خارجی است. البته این کار باید از مدت‌ها قبل انجام می‌شد، اما به هر حال ماهی را هر زمان از آب بگیری تازه است.»

از نگاه رئیس پیشین کمیته ملی المپیک، اتکای بیشتر به مربیان داخلی بدون سرمایه‌گذاری در حوزه آموزش و انتقال دانش فنی امکان‌پذیر نیست. فدراسیون‌ها برای کاهش وابستگی به مربیان خارجی باید نظامی مستمر برای شناسایی، پرورش و ارتقای مربیان ایرانی ایجاد کنند؛ مسیری که می‌تواند در شرایط محدودیت اقتصادی و دشواری همکاری با مربیان خارجی، پشتوانه فنی ورزش کشور باشد.

روایت عقبگرد در سیاست جذب مربیان خارجی و فرصت‌هایی که از دست رفت

عصر یخبندان خارجی‌ها

گزارش یک

فائزه زمانی
خبرنگار

دو دهه پیش، وقتی صحبت از مربیان خارجی در ورزش ایران به میان می‌آمد، نام‌هایی روی نیمکت تیم‌های ملی و باشگاهی دیده می‌شد که حضورشان فراتر از سپردن مسئولیت فنی یک تیم به چهره‌ای غیربومی بود. بسیاری از این مربیان با خود دانش روز، تجربه بین‌المللی و استانداردهای حرفه‌ای را به ورزش ایران آوردند و توانستند بر روند فنی برخی رشته‌ها تأثیر بگذارند. از فوتبال و والیبال گرفته تا بسکتبال و هندبال، مربیانی به ایران آمدند که تعدادی از آنها سابقه حضور در معتبرترین رقابت‌های بین‌المللی را داشتند، برخی مأموریت ساختن یک تیم یا تغییر مسیر یک رشته را برعهده گرفتند و در انجام این مأموریت نیز موفق بودند. البته همه این تجربه‌ها به نتایج مطلوب منتهی نشد. عده‌ای از مربیان خارجی، باوجود برخورداری از رزومه‌ای قابل توجه، نتوانستند انتظارات را برآورده کنند و دستاورد فنی ماندگاری برای ورزش ایران به‌جا نگذاشتند.

حضور کارلوس کی‌روش در فوتبال، خولیو ولاسکو در والیبال و مهمت بچیرو‌ویچ در بسکتبال، تنها چند نمونه از دوره‌ای است که جذب مربی خارجی در ورزش ایران، گاهی فراتر از یک انتخاب معمول فنی بود و به پروژه‌ای برای ارتقای سطح کیفی یک رشته تبدیل می‌شد. در آن مقطع، انتظار از مربیان خارجی تنها کسب نتیجه نبود؛ انتقال دانش، تربیت نیروهای داخلی، اصلاح ساختار فنی و ایجاد نگرشی حرفه‌ای در تیم‌ها نیز بخشی از مأموریت آنها به شمار می‌رفت.

امروز اما وقتی به نیمکت تیم‌های ایرانی در رشته‌های مختلف نگاه می‌کنیم، با تصویری متفاوت روبه‌رو می‌شویم. تعداد مربیان خارجی در اغلب رشته‌ها کاهش یافته و کار به جایی رسیده که در لیگ برتر فوتبال ایران حتی یک سرمربی خارجی هم حضور ندارد. در رشته‌های دیگر نیز حضور مربیان خارجی، دست‌کم از نظر اعتبار رزومه و سطح تجربه بین‌المللی، با دوره‌های گذشته قابل مقایسه نیست. این تغییر وضعیت پرسش‌های مهمی را پیش روی مدیران ورزش قرار می‌دهد: آیا معیارهای انتخاب مربیان خارجی تغییر کرده است؟ آیا فدراسیون‌ها در جذب چهره‌های صاحبنام و ارزیابی گزینه‌های فنی، دچار ضعف مدیریتی و سهل‌انگاری شده‌اند؟ یا محدودیت‌های اقتصادی، تحریم‌ها، دشواری انتقال پول و نگرانی مربیان از حضور و فعالیت در ایران، امکان چنین همکاری‌هایی را محدود کرده است؟

پاسخ به این پرسش‌ها نیازمند بررسی دقیق عملکرد فدراسیون‌ها و شرایط متفاوت هر رشته است. نمی‌توان برای فوتبال، والیبال، بسکتبال، هندبال یا رشته‌هایی مانند کشتی و تکواندو نسخه‌ای واحد پیچید. حضور مربی خارجی نیز به‌خودی‌خود تضمین‌کننده موفقیت نیست؛ همان‌طور که تکیه بر مربیان داخلی نباید بهانه‌ای برای چشمپوشی از ضعف‌های فنی و مدیریتی باشد.

آنچه اهمیت دارد، ارزیابی کارنامه مربیانی است که طی دو دهه گذشته به ایران آمدند؛ بررسی اعتبار رزومه آنها پیش از ورود، عملکردشان در دوران فعالیت، نتایجی که به دست آوردند و تأثیری که بر ساختار فنی و نسل بعدی مربیان داخلی گذاشتند. آیا ورزش ایران از این همکاری‌ها به اندازه هزینه‌های مالی و اعتباری خود بهره برده است؟ آیا مدیران ورزشی توانسته‌اند حضور مربیان خارجی را به فرصتی برای انتقال دانش و توسعه پایدار رشته‌ها تبدیل کنند؟

این پرونده تلاشی است برای مرور دو دهه حضور مربیان خارجی در ورزش ایران؛ از نام‌های بزرگ و تجربه‌های ماندگار تا انتخاب‌های کم‌اثر، فرصت‌های از دست‌رفته و همکاری‌های ناتمامی که شاید بیش از هر چیز، ضرورت بازنگری در سیاست‌های جذب مربی خارجی را یادآوری می‌کنند.

> تعداد مربیان خارجی در اغلب رشته‌ها کاهش یافته و کار به جایی رسیده که در لیگ برتر فوتبال ایران حتی یک سرمربی خارجی هم حضور ندارد. در رشته‌های دیگر نیز حضور مربیان خارجی، دست‌کم از نظر اعتبار رزومه و سطح تجربه بین‌المللی، با دوره‌های گذشته قابل مقایسه نیست



مربیان خارجی در ورزش ایران

از معجزه ولاسکو تا انتخاب‌های پرهزینه

تاریخ نگاری

تصویر مربیان خارجی در ورزش ایران بدون بررسی تمام رشته‌های ورزشی کامل نمی‌شود. اتفاقاً در برخی رشته‌ها، حضور مربیان خارجی تأثیرگذاری بیشتری نسبت به فوتبال داشته و بخش مهمی از موفقیت‌های بین‌المللی ورزش ایران با همکاری آنها رقم خورده است. والیبال، هندبال، واترپلو و تیراندازی نمونه‌هایی از رشته‌هایی هستند که در مقاطعی با حضور مربیان خارجی متحول شدند. در مقابل، تجربه برخی رشته‌ها نیز نشان می‌دهد که صرف هزینه برای جذب مربی خارجی، بدون توجه به سطح فنی و کارنامه حرفه‌ای او، لزوماً به موفقیت منجر نمی‌شود.

والیبال؛ از ولاسکوی کبیر تا پیاتزای پروازی

والیبال یکی از روشن‌ترین نمونه‌ها در زمینه تأثیرگذاری مربیان خارجی است. پس از دوره حسین معدنی، فدراسیون والیبال در سال ۱۳۹۰ تصمیم گرفت برای هدایت تیم ملی به سراغ یک مربی خارجی برود. البته پیش از آن هم ست‌کوویچ زحمات زیادی برای والیبال ایران کشیده و در تربیت نسل طلایی این رشته نقش قابل توجهی داشت، اما حضور خولیو ولاسکوی آرژانتینی نقطه عطفی در تاریخ والیبال ایران بود.

ولاسکو که سابقه هدایت تیم ملی آرژانتین و فعالیت در سطح اول والیبال جهان را داشت، توانست جایگاه والیبال ایران را در آسیا و جهان ارتقا دهد. شاید مهم‌ترین دستاورد او، تغییر ذهنیت والیبالیست‌های ایرانی بود. او به بازیکنان ایران جسارت، اعتمادبه‌نفس و تفکر برنده را آموخت و نشان داد که تیم ملی می‌تواند مقابل قدرت‌های بزرگ جهان نیز با هدف پیروزی به میدان برود.

پس از ولاسکو، اسلوبودان کواچ، رائول لوزانو، ایگور کولاکوویچ، ولادیمیر آلکنو و روبرتو پیاتزا هدایت تیم ملی را برعهده گرفتند. در این میان، کواچ نیز کارنامه قابل توجهی داشت و تیم ملی با هدایت او به رتبه ششم قهرمانی جهان و جایگاه چهارم لیگ جهانی رسید. کولاکوویچ نیز از مربیانی بود که توانست ثبات نسبی را در تیم ملی حفظ کند.

در سال‌های اخیر، روبرتو پیاتزای ایتالیایی هدایت تیم ملی را برعهده داشت؛ مربی پروازی که تمام تمرکزش روی والیبال ایران نبود. شاید اگر او نیز مانند ولاسکو یا کولاکوویچ تمام توان خود را به تیم ملی اختصاص می‌داد، نتایج بهتری حاصل می‌شد. اکنون فدراسیون به دنبال جایگزین اوست، اما پیدا کردن یک مربی خارجی مطرح و متناسب با شرایط والیبال ایران کار آسانی نخواهد بود.

بسکتبال؛ معمولی‌ها با دستاوردهای محدود

در بسکتبال نیز حضور مربیان خارجی سابقه طولانی دارد، اما ایران هیچ‌گاه نتوانسته به شکل مستمر از مربیان درجه یک جهان استفاده کند. مهمت بچیرو‌ویچ اسلوونیایی بین سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۳ هدایت تیم ملی را برعهده داشت و با ایران به قهرمانی آسیا در سال ۲۰۱۳ رسید. پس از او، درک بائرمن آلمانی در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ سرمربی تیم ملی شد. بائرمن با سابقه هدایت تیم ملی آلمان و فعالیت در بسکتبال اروپا، شاید مهم‌ترین مربی خارجی این رشته در ایران بود.

پیش از این دو مربی نیز رایکو ترومن و وسلین ماتیچ روی نیمکت تیم ملی قرار گرفته بودند. ماتیچ با ایران قهرمان آسیا در سال ۲۰۰۹ شد و در جام جهانی ۲۰۱۰ نیز هدایت تیم را برعهده داشت.

در حال حاضر سوتیریس مانولوپولوس یونانی هدایت تیم ملی را برعهده دارد که از نظر سوابق حرفه‌ای، رزومه‌ای پایین‌تر از برخی مربیان قبلی دارد. در بسکتبال بانوان نیز الین کاپوچیانی تجربه موفقی بود. او نقش مهمی در احیای این رشته و افزایش جسارت بازیکنان داشت، اما همکاری با او ادامه پیدا نکرد و پس از جدایی‌اش نیز تلاش جدی برای جذب یک گزینه خارجی توانمند صورت نگرفت. این اتفاق نشان می‌دهد که برخی فدراسیون‌ها حتی پس از مشاهده تأثیر مثبت یک مربی خارجی، برنامه‌ای برای تداوم همکاری و بهره‌برداری از دانش او ندارند.

هندبال؛ جذب مربیان متعدد، اما افت محسوس

هندبال از رشته‌هایی است که در سال‌های گذشته به شکل گسترده از مربیان خارجی استفاده کرده است. بوروت ماچک، رافائل گویخوسا، ایویچا ریمانیچ، عرفان اسماجلاگیچ و مانوئل مونتویا از جمله مربیانی بودند که در دوره‌های مختلف هدایت تیم ملی مردان را برعهده گرفتند.

در این میان، بوروت ماچک یکی از تأثیرگذارترین مربیان خارجی هندبال ایران بود. نسل طلایی این رشته با هدایت او شکل گرفت و تیم ملی توانست به مدال برنز بازی‌های آسیایی برسد. در سال‌های بعد نیز وسلین ووویچ، مربی مطرح صربستانی، هدایت تیم ملی را برعهده گرفت و در تکرار عنوان سومی بازی‌های آسیایی نقش داشت. رافائل گویخوسا کاستیلو نیز در سپتامبر ۲۰۲۴ بار دیگر به نیمکت ایران بازگشت، اما حضور مجدد او دستاورد قابل توجهی برای تیم ملی نداشت.

در هندبال بانوان نیز فدراسیون به سراغ مربیان خارجی رفت. آنا کریستینا تکسیرا سیابرا، مربی پرتغالی، در آستانه مسابقات قهرمانی جهان ۲۰۲۵ هدایت تیم ملی را برعهده گرفت و پس از او مونتسرات پوچه دیاز اسپانیایی با رزومه‌ای مطرح به تیم ملی اضافه شد. با وجود این انتخاب‌ها، همکاری‌ها مقطعی باقی ماند و تأثیرماندگاری در روند پیشرفت هندبال بانوان ایجاد نکرد.

نکته قابل تأمل درباره هندبال ایران این است که فدراسیون در سال‌های اخیر از فعال‌ترین مجموعه‌ها در جذب مربیان خارجی بوده، اما این سیاست مانع افت محسوس این رشته نشده است. تیم ملی مردان نیز برای رسیدن به بازی‌های آسیایی ناگویا با اما و اگرهایی روبه‌رو بوده است. پرسش مهم اینجاست که چرا با وجود این حجم از تجربه و استفاده از مربیان خارجی، هندبال ایران نتوانسته روند پیشرفت خود را حفظ کند؟ پاسخ به این پرسش نیازمند بررسی ساختار فنی، برنامه‌های پایه و نحوه استفاده از ظرفیت مربیان خارجی است.

ورزش‌های رزمی؛ اصرار بر مربیان داخلی

در شمشیربازی، در مقطعی تیم‌های ملی در تمامی اسلحه‌ها از مربیان خارجی استفاده می‌کردند. کریستن بائو فرانسوی، الکساندر پاولوویچ بیکوف و یوگنی بریوکوف از مهم‌ترین مربیان خارجی این رشته بودند، اما حضور آنها دستاورد چشمگیری به همراه نداشت و در برخی مقاطع مربیان ایرانی عملکرد بهتری ثبت کردند. در تکواندو، چانگ مون گیل و کانگ شین چال از مربیان خارجی تأثیرگذار بودند. بویژه کانگ شین چال نقش مهمی در پرورش برخی از چهره‌های شاخص تکواندوی ایران داشت. در ووشو نیز در مقطعی مربیان چینی به ایران آمدند، اما پس از آن همکاری‌ها ادامه پیدا نکرد.

این در حالی است که چین قدرت اول ووشوی جهان محسوب می‌شود و تیم ملی ایران در سال‌های اخیر در رویارویی‌های مستقیم مقابل این کشور ناکام بوده است. با وجود فاصله فنی موجود، مسئولان ووشو همچنان تمایل زیادی به استفاده از مربیان ایرانی دارند. شاید استفاده از مربیان چینی بتواند به انتقال دانش فنی و ارتقای سطح این رشته کمک کند؛ موضوعی که به نظر می‌رسد فدراسیون باید جدی‌تر به آن توجه کند.

تیراندازی و تیراندازی با کمان؛ افت پس از مربیان خارجی

لازلو یکی از مربیان خارجی موفق در تیراندازی ایران بود که حضورش به ارتقای سطح این رشته کمک کرد. دوران فعالیت او با درخشش تیراندازانی مانند الهه احمدی همراه بود و بخشی از موفقیت‌های بین‌المللی تیراندازی ایران در همان دوره رقم خورد.

با این حال، سال‌هاست که خبری از حضور مربیان خارجی مطرح در این رشته نیست و تیراندازی ایران نیز افت محسوسی را تجربه کرده است.

در تیراندازی با کمان هم در مقطعی یک سرمربی کره‌ای با تیم ملی همکاری کرد، اما نتایج قابل توجهی به دست نیامد. پس از جدایی او، فدراسیون نتوانست گزینه خارجی مناسبی را جایگزین کند و بار دیگر به مربیان ایرانی روی آورد. این در حالی است که کره جنوبی یکی از قدرت‌های اصلی تیراندازی با کمان جهان است و استفاده از دانش مربیان این کشور می‌تواند به ارتقای سطح فنی کمانداران ایرانی کمک کند.

واترپلو؛ طلسم‌شکنی با چیریچ

واترپلو نیز تجربه قابل توجهی در استفاده از مربیان خارجی دارد. رومن پولاچیک از جمله مربیانی بود که به ایران آمد، اما نتوانست دستاورد چشمگیری داشته باشد. میلاکوویچ صربستانی نیز مدتی به‌عنوان مدیر فنی تیم ملی فعالیت کرد، اما نقطه اوج همکاری با مربیان خارجی به حضور الکساندر چیریچ بازمی‌گردد. چیریچ توانست پس از ۴۴ سال، واترپلوی ایران را به سکوی سوم بازی‌های آسیایی برساند؛ موفقیتی ارزشمند که اهمیت حضور یک مربی خارجی توانمند را نشان داد. نکته قابل توجه اینکه پس از جدایی او و با هدایت مربیان ایرانی، تیم ملی دیگر نتوانست این جایگاه را تکرار کند.

در شنا نیز با وجود احساس نیاز به حضور مربیان خارجی مطرح، این اتفاق هیچ‌گاه به شکل جدی دنبال نشد. تنها در مقطعی کوتاه، جان اون سوی ترکیه‌ای به ایران آمد که شاید مهم‌ترین دستاورد حضورش، کسب طلای بازی‌های کشورهای اسلامی در ریاض بود. پس از آن، فدراسیون دوباره به مربیان ایرانی اکتفا کرد.

بوکس؛ مانور تبلیغاتی به جای انتخاب تخصصی

در بوکس، آسبال یکی از موفق‌ترین مربیان خارجی بود که به ایران آمد. بسیاری از کارشناسان، طلای علی مظاهری در بازی‌های آسیایی دوحه را متأثر از حضور و فعالیت‌های فنی او می‌دانند؛ هرچند در آن مقطع اکبر احدی هدایت تیم ملی را برعهده داشت.

پس از آن، تیم ملی سال‌ها با مربیان ایرانی فعالیت کرد تا اینکه روح‌الله حسینی با مانورهای تبلیغاتی، سه مربی کوبایی را به ایران آورد. مربیانی که از نظر سطح فنی و رزومه در رده‌های چهارم یا حتی پنجم قرار می‌گرفتند و نه‌تنها کمک قابل توجهی به بوکس ایران نکردند، بلکه به اعتقاد بسیاری از کارشناسان، باعث عقب‌ماندگی چندساله این رشته شدند.

انتخاب مربی خارجی؛ فراتر از یک قرارداد

بررسی کارنامه مربیان خارجی در رشته‌های مختلف نشان می‌دهد که حضور آنها نه به‌تنهایی تضمین‌کننده موفقیت است و نه می‌توان از نقش مؤثرشان در پیشرفت ورزش ایران چشمپوشی کرد. ولاسکو در والیبال، ماچک در هندبال، چیریچ در واترپلو و لازلو در تیراندازی نمونه‌هایی از تأثیرگذاری دانش فنی خارجی هستند. در مقابل، تجربه برخی رشته‌ها نشان می‌دهد که انتخاب‌های غیرتخصصی و تبلیغاتی می‌تواند منابع مالی و فرصت‌های ارزشمند ورزش کشور را هدر دهد.

مسأله اصلی، خارجی یا ایرانی بودن مربی نیست؛ بلکه شناخت نیازهای هر رشته، انتخاب گزینه‌ای با رزومه متناسب و ایجاد زمینه برای انتقال دانش فنی است. فدراسیون‌ها باید بدانند که جذب یک مربی خارجی صرفاً به معنای امضای قرارداد و حضور او روی نیمکت نیست. آنچه اهمیت دارد، برنامه‌ریزی بلندمدت، استفاده از دانش مربی و تربیت نیروهای داخلی در کنار اوست؛ موضوعی که هنوز در بسیاری از رشته‌های ورزشی ایران جای خالی آن احساس می‌شود.

> فدراسیون‌ها باید بدانند که جذب یک مربی خارجی صرفاً به معنای امضای قرارداد و حضور او روی نیمکت نیست. آنچه اهمیت دارد، برنامه‌ریزی بلندمدت، استفاده از دانش مربی و تربیت نیروهای داخلی در کنار اوست

سوژه

روزگار ستاره‌های خارجی روی نیمکت فوتبال ایران

فوتبال ایران در دو دهه گذشته روزهایی را تجربه کرده که حضور مربیان خارجی، بخشی از معادلات فنی تیم ملی و باشگاه‌های بزرگ بود. در آن سال‌ها، نام‌هایی روی نیمکت فوتبال ایران نشستند که صرفاً برای کسب نتیجه کوتاه‌مدت به کشورمان نیامده بودند؛ بعضی از آنها تجربه حضور در سطح اول فوتبال اروپا و آسیا را داشتند و برخی توانستند با تغییر شیوه تمرین، نگاه تاکتیکی و ایجاد ذهنیتی برنده، تأثیری فراتر از دوران همکاری خود به جا بگذارند.

برانکو ایوانکوویچ و کارلوس کی‌روش را می‌توان دو چهره شاخص این دوره دانست. برانکو ابتدا در تیم ملی فوتبال ایران حضور داشت و سپس با بازگشت به فوتبال باشگاهی، پرسپولیس را به یکی از موفق‌ترین دوره‌های تاریخ خود رساند. سه قهرمانی لیگ برتر و یک نایب‌قهرمانی در دوران حضور او، جایگاهش را در فوتبال ایران تثبیت کرد. کی‌روش هم در فاصله سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ هدایت تیم ملی را برعهده داشت و با دو صعود متوالی به جام جهانی، یکی از طولانی‌ترین و اثرگذارترین دوره‌های مربیگری خارجی در تیم ملی را رقم زد.

البته فهرست مربیان خارجی فوتبال ایران به این دو نام محدود نمی‌شود. زلاتکو کرانچار و لوکا بوناچیچ در سپاهان و دیگر باشگاه‌ها، مصطفی دنیزلی در پرسپولیس و تراکتور، تونی اولیویرا در تراکتور، وینفرد شفر در استقلال و دراگان اسکوچیچ در صنعت نفت و تیم ملی، از جمله چهره‌هایی بودند که در مقاطع مختلف به فوتبال ایران آمدند. در دهه ۱۳۹۰، حضور مربیان خارجی در نیمکت باشگاه‌های بزرگ به‌تدریج پررنگ‌تر شد؛ تا جایی که استقلال، پرسپولیس، سپاهان و تراکتور در مقاطعی به‌طور همزمان از سرمربیان خارجی استفاده می‌کردند و ایگور استیماچ، انگین فیرات، ارطغرول ساغلام پا به لیگ برتر ایران گذاشتند.

سال ۱۳۹۸؛ نقطه چرخش



اما این روند از سال ۱۳۹۸ با اتفاقات پرحاشیه‌ای روبه‌رو شد. مارک ویلموتس در تیم ملی، آندره‌آ استراماچونی در استقلال، گابریل کالدرون در پرسپولیس و مصطفی دنیزلی در تراکتور، در فاصله‌ای کوتاه از فوتبال ایران جدا شدند. مشکلات پرداخت دستمزد، اختلافات قراردادی، دشواری انتقال پول و بی‌ثباتی مدیریتی، بخشی از دلایل پایان این همکاری‌ها بود. خروج استراماچونی در شرایطی که استقلال صدرنشین لیگ بود و پرونده حقوقی ویلموتس، بیش از هر زمان دیگری مشکلات همکاری با مربیان خارجی را به نمایش گذاشت.

با این حال، فوتبال ایران چند سال بعد دوباره به سراغ گزینه‌های خارجی رفت. ریکاردو ساپینتو در استقلال، ژوزه مورایس در سپاهان و قربان بردیف در تراکتور، آغازگر موج تازه‌ای از این انتخاب‌ها بودند. پس از آن هم مربیانی مثل پاکو خمس، اوسمار ویرا، مارینوس اوزونیدیس، پاتریس کارترون، اسماعیل کارتال و گاریدو وارد فوتبال ایران شدند. این بار اما ترکیب انتخاب‌ها متنوع‌تر بود؛ از مربیان دارای سابقه فعالیت در باشگاه‌های مطرح اروپایی تا گزینه‌هایی که شناخت از فوتبال ایران یا تجربه حضور در لیگ‌های منطقه، در انتخابشان نقش داشت.

پایان حضور خارجی‌ها در لیگ برتر

در فصل ۱۴۰۲-۱۴۰۱ در مقطعی حضور مربیان خارجی در فوتبال ایران ممنوع شد که نتیجه آن هم افت کیفیت لیگ برتر و ایجاد حواشی بود که در نهایت باعث شد تا مسئولان از این موضوع صرف نظر کنند. حالا اما مجدداً مشابه همین اتفاق افتاده است و فوتبال ایران به نقطه‌ای رسیده که شاید تا چند سال قبل تصورش دشوار بود. در فصل جدید هر هجده تیم لیگ برتری با مربیان داخلی پا به رقابت گذاشته‌اند. این اتفاق در شرایطی رخ داده که باشگاه‌های بزرگ ایران سال‌ها برای جذب مربیان خارجی رقابت می‌کردند. مشکلات اقتصادی، افزایش هزینه قراردادهای ارزی و دشواری همکاری با مربیان خارجی و شرایط اخیر ایران از مهم‌ترین دلایل این تغییر به شمار می‌روند. البته نبود مربی خارجی به‌تنهایی به معنای افت کیفیت فوتبال ایران نیست؛ همان‌طور که حضور مربیان خارجی هم همیشه تضمین‌کننده موفقیت نبوده است. اما فاصله میان روزگاری که برانکو و کی‌روش در فوتبال ایران حضور داشتند و امروز که حتی یک نیمکت لیگ برتری به مربی خارجی سپرده نشده، پرسشی جدی را پیش روی فوتبال ایران قرار می‌دهد.